

هنر هفتم



جای خالی فلسطین در صحنه تئاتر ایران

امین سلیمانی فارسانی

در دنیای تئاتر ایران با اینکه سال‌های طولانی است جشنواره‌هایی با موضوعات مقاومت، دفاع مقدس و مناسبت‌های مذهبی برگزار می‌شود و برای آنها هستند اما هیچ‌گاه به شکل جدی و پویا چنین توجهی به فلسطین و جنایت‌های جهانی علیه آن به دست رژیم صهیونیستی نشده است.

بیش از یک ماه از آغاز عملیات طوفان الاقصی در سرزمین‌های اشغالی فلسطین و حملات دم‌ششانه رژیم صهیونیستی به غزه می‌گذرد اما واکنشی عملی از سوی اهالی تئاتر دیده نشده است؛ واکنشی سریع مثل تئاتر خیابانی در ژانر مقاومت که گاه می‌تواند بدون هیچ هزینه‌ای اجرایی شود، از این رو ما را بر آن داشت نظری به تئاتر مقاومت بیندازیم که در این سال‌ها به شکل هرزگانه‌ای تولیدات بایسته و شایسته‌ای به صحنه آورده شده و با اقبال همگانی نیز روبه‌رو بوده اما هنوز به یک جریان متداول و همگانی تبدیل نشده، بنابراین این نکته بارزی است که باید از سوی نهادهای مرتبط فرهنگی برایش چاره‌اندیشی شود.

مقاومت مفهومی با پیشینه دراز تاریخی است؛ پیشینه‌ای که در تاریخ کشورمان و منطقه خاورمیانه مفهومی مینوی و ملی یافته است. مفهوم مقاومت در آثار هنری کشورمان نیز همواره سبمی از تولیدات داشته است. در سال‌های اخیر با تولید آثار حرفه‌ای، گروه مخاطبان این آثار از مخاطبان خاص و میهمان به مخاطبان حرفه‌ای ارتقا یافته و آثار درخشانی که در این سال‌ها به صحنه آمده همواره با اقبال عمومی نیز همراه شده اما مشکل این است، با آنکه این موضوع با استقبال مخاطب روبه‌رو است و از طرفی هنرمندان نیز پای آن ایستاده‌اند و دل‌شان می‌خواهد با موضوع مقاومت، تئاتر کار کنند اما جای خالی نهادهای مؤلف به تقویت روحیه جاگیمه خارج از حوزه تئاتر دیده می‌شود چرا که هنوز به شکل راهبردی و هدفمند به تولید آثار نمایشی نمی‌پردازند، یعنی هنوز یک متولی پیگیر و بودجه‌ای برای چنین منظوری در نظر گرفته نشده است.

این در حالی است که امروز می‌دانیم مفهوم مقاومت برای سرزمین‌مان تا چه میزان حیاتی است، کشوری که همواره به دلیل جایگاه اعتباری، اقتصادی و فرهنگی‌اش مورد طمع بیگانگان بوده و هرگاه فعل مقاومت را صرف کرده سربلندی به دست آورده و هر گاه از آن غافل شده به سرفاکنده‌گی ملی دچار شده و امروز بیش از گذشته مورد تهدید دشمنان است، نباید فراموش کند که از گذشته تا آینده نیازمند تقویت فرهنگ مقاومت است.

در این میان سوزهای بسیاری تحت عنوان تئاتر مقاومت موجود است که باید به آنها پرداخته شود، چنانچه در این سال‌ها چند نمونه موفق تولید و اجرا شده، در این میان بسیاری از موضوعات بر زمین مانده است، برای مثال نمایش‌هایی که به قضیه شکل‌گیری و حیات رژیم صهیونیستی و تلاش‌های گروه‌های مقاومت علیه آن اختصاص دارد.

چنین موضوعاتی به یقین بارها می‌تواند با حمایت‌های راهبردی از هنرمندان تبدیل به تئاترهای پر مخاطب شود.

در دنیای تئاتر ایران با اینکه سال‌های طولانی است جشنواره‌هایی با موضوعات مقاومت، دفاع مقدس و مناسبت‌های مذهبی برگزار می‌شود و سازمان‌های فرهنگی - هنری بسیاری متولی برپایی آنها هستند اما هیچ‌گاه به شکل جدی و پویا چنین توجهی به فلسطین و جنایت‌های جهانی علیه آن به دست رژیم صهیونیستی نشده، این در حالی است که تنها در اثر رویدادهایی از جمله پیروزی‌های گروه‌های مقاومت علیه اسرائیل، واکنش‌هایی مقطعی و جشنواره‌ها و تئاترهای محدود شده است.

آن را می‌توان در اضافه کردن بخش غزه به برخی جشنواره‌ها و اجرای موردی آن آثار دید. به عنوان مثال یکی از این آثار نمایش «هفت بچه یهودی» به کارگردانی سیدمحمدحسین میرعلایی و تولیدشده حوزه هنری است که در جشنواره تئاتر ماه سال ۱۳۹۶ اجرا شد. انتظار می‌رود اهالی هنر به ویژه در هنرهای نمایشی، آثار تلویزیونی و سینمایی در مورد یکی از مهم‌ترین مسائل امنیتی - سیاسی روز منطقه غرب آسیا تلاش‌هایی مداوم داشته باشند چرا که غده سرطان رژیم صهیونیستی مرضی جدی برای تمامی ملت‌های منطقه است.

گزارش یک

امین سلیمانی فارسانی

«کوتاه‌تر از کودکی» با حضور جمعی از هنرمندان هنرهای تجسمی در کارگاهی با عنوان «حبیب‌الله صادقی» در حالی برگزار شد که بسیاری از آنها جزو استادانی هم‌عصر با حبیب‌الله صادقی بوده یا تجربه شاگردی او را داشته‌اند.



هنری اعم از نقاشی، خط، کاریکاتور، نگارگری، گرافیک و مجسمه‌سازی به خلق اثر خواهند پرداخت. در این رویداد بیش از ۳۰ هنرمند برای شرکت در این اجرای زنده حضور یافتند که می‌توان از هنرمندان شاخص استادانی همچون نادر قشقایی مجسمه‌ساز، مرتضی گودرزی نقاش، حسین عصمتی نگارگر، امیرحسین آقامیری نگارگر، محمدحسین نیرومند کاریکاتوریست، سیدحمید شریفی‌آل‌هاشم گرافیک، حسین غلامی خوشنویس، مسعود صادقی خوشنویس و نگارگر، منصور فارسی مجسمه‌ساز، عبدالحمید قنبریان نقاش، سعید نقاشیان خوشنویس، محسن نجفی کاریکاتوریست، صابر شیخ‌رضایی کاریکاتوریست و صدیقه سلمان نقاش را نام برد. «کوتاه‌تر از کودکی» با حضور جمعی از هنرمندان هنرهای تجسمی در کارگاهی با عنوان «حبیب‌الله صادقی» در حالی برگزار شد که بسیاری از آنها جزو استادانی هم‌عصر با حبیب‌الله صادقی بوده یا تجربه شاگردی او را داشته‌اند، هنرمندی که در هنر مقاومت صاحب سبک بود و آثار بسیاری در این زمینه به ویژه با موضوع فلسطین از خود به جای گذاشت. روح این هنرمندان حاضر در این کارگاه می‌شد میان نفس‌های هنرمندان حاضر حس کرد و گاهی میان حرف‌های آنها خاطراتی از او شنید. هر یک از هنرمندان کارگاه تجسمی «کوتاه‌تر از کودکی» با دیدگاهی ویژه در مورد فلسطین

یاد کودکان بی دفاع «غزه» در کارگاه حبیب‌الله صادقی زنده شد

به این رویداد با گذاشته بودند. به عنوان مثال «حشمت‌الله نوروزی» در مورد این کارگاه که صدای مظلومیت مردم غزه را از مجرای هنر به جهانیان می‌رساند، گفت: بر اساس آنچه در اخبار اعلام شده است و همه ما خبرهایش را خوانده و تصاویر دردناکش را دیده‌ایم، مردم غزه و کودکانش مورد حملات ظالمانه و کشتار بی‌رویه از سوی اسرائیل قرار گرفته‌اند. بر همین اساس هنرمندان جمع شدند و با موضوع غزه در این کارگاه خلق اثر کردند. به عبارتی دیگر آثاری که در این کارگاه تولید شد، فریاد حمایت هنرمندان هنرهای تجسمی حوزه هنری در همدردی با کودکان غزه و نمایش حس بشردوستانه است. «صدیقه سلمان» یکی دیگر از هنرمندان حاضر در این کارگاه تجسمی نیز در مورد این رویداد با مبداران بیمارستان «المعمدانی» غزه و به شهادت رسیدن تعداد زیادی از مردم مظلوم فلسطین به خصوص نوزادان و کودکان بی دفاع گفت: این اتفاق غم‌انگیز خشم مسلمانان جهان را به همراه داشت. همه مسلمانان و همه کسانی که انسان دوستی را به معنای واقعی می‌شناسند، نسبت به این موضوع احساس مسئولیت می‌کنند و بر اساس توان و بضاعتی که دارند، رسالتی را که بر عهده‌شان است به بهترین شکل ممکن انجام می‌دهند. یکی از دغدغه‌هایی که همیشه برای من در کنار موضوعات انقلاب و مسائل مذهبی و معنوی مطرح بوده موضوع فلسطین است، به



همین دلیل تصمیم گرفتیم در کارگاه تجسمی «کوتاه‌تر از کودکی» شرکت و از این طریق حمایت خود را از مردم مظلوم غزه و کودکان بی‌دفاع فلسطین اعلام کنیم. فلسطین برای من سرزمینی است که همیشه تحت ظلم بوده است و مردم مظلوم آن هر لحظه آماده شهادت هستند. این حجم از مظلومیت انسان را تحت تأثیر قرار دادند، به همین سبب موسوم بوده است، هنرمندان انقلابی در این کارگاه نیز گفت: طبق یک رسم قدیمی که در این کارگاه نیز در جریان است، هنرمندان انقلابی در طول زمان و هر وقت واقعه‌ای رویداد خاصی در گستره جهانی رخ می‌دهد، بر حسب توانایی‌های خودشان تلاش می‌کنند از طریق خلق آثار هنری به آن واکنش نشان دهند، این روزها جوان‌زده‌ها مسئول این هنرمندان با مردم مظلوم فلسطین برای ابراز همدردی با آنهاست که سال‌هاست زیر بار ظلم رژیم صهیونیستی هستند. قدیریان در این کارگاه درخت تنومندی را ترسیم کرد که سال‌ها تیر خورده اما این روزها جوان‌زده‌ها مسئول آن اثر تولیدی کارگاه تجسمی «کوتاه‌تر از کودکی» که به زودی در نمایشگاهی رونمایی و به نمایش گذاشته می‌شوند.

«سلام بر غزه» به روایت محمدمهدی سیار، شاعر و ترانه‌سرا

شاعران مقاومت «میانداری» می‌کنند



این اتفاقات به تدریج بشریت را از انسان بودن تهی می‌کند و چیزی که آنجا سر بریده می‌شود، به نظم وجدان بشری است. بعد از این وقایع تلخ چگونه انسانیت می‌تواند سر بلند کند و از این شرمساری خارج شود؟ ما با یک شرمساری جهانی مواجه هستیم و موقعیت، موقعیت آخرالزمانی است. شرایط خیلی قیامت‌گونه شده است. ما با قیامتی مواجهیم که احساس می‌کنیم جهنمی هستیم و شعر ما را می‌تواند این واقعیت را ثبت کند و بخشی از این وجدان زخم‌خورده انسانی را نمایش دهد.

کوکب‌ترین کار «سلام بر غزه» جدیدترین شعر چهره بر ترنر انقلاب

گزارش ۲

فاطمه شعبانی

اتفاقات تلخی که در چند هفته اخیر در غزه در حال رخ دادن است، قلب هر انسان آزاده‌ای را در سراسر جهان به درد می‌آورد؛ فاجعه‌ای انسانی که بیشترین قربانیان آن را غیرنظامیان خصوصاً زنان و کودکان تشکیل می‌دهند. برای همدردی با غم‌دیدگان غزه بسیاری از هنرمندان و شاعران دست به کار شده‌اند. بسیاری از شاعران دست به قلم برده‌اند تا عمق این اتفاقات را بر کاغذ جاری کنند، شاید بتوانند ذره‌ای از دالت صهیونیست‌ها را به بشریت نشان دهند. دکتر محمدمهدی سیار، شاعر و ترانه‌سرا در شعر جدید خود با عنوان «سلام بر غزه» به این اتفاقات واکنش نشان داده است. وی در گفت‌وگو با ما از تأثیر شعر مقاومت و میانداری شعرادر وقایع اخیر می‌گوید.



موقعیت آخرالزمانی

محمدمهدی سیار با اشاره به کشتار بی‌رحمانه کودکان بی‌دفاع غزه از تأثیر شعر مقاومت بر مخاطبان اینطور می‌گوید: «در شرایط پیش‌آمده شاید نتوانیم کار خاصی انجام دهیم اما حداقل کاری که از دست‌مان برمی‌آید، این است که نشان دهیم از این اتفاقات ناراحت هستیم و وجدان انسانی هنوز زنده است. هر چند پیش چشم ما این وجدان سر بریده می‌شود. این روزها ما با یکسری ناانسان به نام رژیم صهیونیستی مواجه هستیم که ۸۰ میلیارد انسان روز زمین را تبدیل به نالسان می‌کنند و وقتی چنین جنایتی رخ می‌دهد و کسی کاری نمی‌کند و جز اعتراض زبانی کاری از دستش بر نمی‌آید، جلوی چشم همه جهان صهیونیست‌ها روزانه بیش از ۴۰۰ کودک را به طرز وحشیانه‌ای می‌کشند.

هم‌بیاله با مرگ

سیدعلی مددزیدی

عملیات پدر، اسفند سال ۱۳۶۳. تعدادی از بچه‌های تیپ ویژه شهدا در وضعیت آماده‌باش قرار دارند. بعد از ماه‌ها دست‌وپنجه نرم کردن با کوهستان‌های غرب، حال قرعه عملیاتی در منتها‌البه جنوب کشور به نام‌شان خورده است؛ هورالعظیم، بچه‌های تیپ ابتدا در ارومیه آموزش عملیات‌های آبی - خاکی دیده و سپس مستقیم راهی جنوب شده‌اند. همه چیز برای آغاز عملیات فراهم است. قرار بر این شده است باقی واحدها از مقابل با دشمن روبه‌رو و بچه‌های تیپ ویژه به پشت خط دشمن هلی‌برد شوند و دشمن را قیچی کنند اما هنوز پای‌شان به بالگرد نرسیده، خبر می‌رسد عملیات لو رفته است و حالا باید به جای پشت در مقابل دشمن بایستند.

مرتضی ذهابی، فرمانده گردان به همراه بچه‌هایش مطیعانه تغییر برنامه را می‌پذیرد، پیشروی‌هایی به دست می‌آید، ولی در آنی با پاتک دشمن ورق برمی‌گردد. شاکله سپاه از هم می‌پاشد، رزمندگان متفرق می‌شوند و فرمانده گردان می‌ماند و بی‌سجمی‌اش.

مرگ در لباس تانک‌های عراقی این دو را درمل‌های جنوب دنبال می‌کند. مرتضی دیگرتا طراقت داغ ندارد، چند بار دست‌به‌کمر می‌برد تا خودش برهنه زندگی‌اش را ببیند ولسی هر بار با نگاه به بی‌سجمی پشیمان می‌شود. بالاخره به نقطه تجمع نیروها می‌رسند. صیادشیراز خودش به میدان آمده است، تقلا می‌کند ولی بی‌نتیجه است. دستتور عقب‌نشینی به صورت رسمی صادر می‌شود. همه به عقب برمی‌گردند. مرتضی هم، ولسی او با یک حرفه جدید در قلبش.

مرتضی ذهابی از آنهایی است که نه فقط یک روز بلکه هشت سال بدر از زندگی کرده؛ گاهی با فتوح هم‌سفر بوده و گاهی هم با مرگش هم‌بیاله. رفقایش، دانه‌دانه، بار سفر بسته، راهی ملکوت شده‌اند اما تقدیر او را در میان خاکی‌ها نگه داشت تا راوی فتح باشد، روایتی که به زبان او ایراد و به قلم محمدتقی عزیزیان مکتوب گشته و در نهایت نیز سوز مهر خاکستر» را روی پیشخوان کتابفروشی‌ها قرار داده است.

کتاب قصه نیست. مثل مستند هم سفت‌وسخت به دل تاریخ نمی‌زند، در نتیجه می‌توانیم اثر را در رسته خاطرات قرار بدهیم. سوزها به نویسنده تقریباً به زمان و حفظ ترتیبش پایبند بوده‌اند، به طوری که روایت از کودکی شروع می‌شود و با حفظ توالی وقایع تا پایان جنگ ادامه پیدا می‌کند. به علت خرم‌آبادی بودن حاج مرتضی و موقعیت تیپ و سازمانش، در اکثر بخش‌های کتاب در غرب کشور مشغول زیارت و سیاحت هستیم و خیلی کم پیش می‌آید بار سفر را به سمت جنوب کوچ کنیم.

قلم نویسنده روان است و مشاهدات حاج مرتضی ذهابی عینی و باورپذیر روایت می‌شوند اما با تمام این نقائص قوت، در کتاب دو ضعف اساسی به چشم می‌خورد؛ اول اینکه گاهی در میان روایت‌ها، مثل یک پراکنش بزرگ، بدون هیچ مقدمه و پس‌وپیشی، مسیر روایت و صحنه و موقعیت تغییر پیدا می‌کند و سپس دوباره به همان ریل قبلی بازمی‌گردد و دوم آنکه در میان اثر یک جسای خالی بزرگ وجود دارد و آن هم بعد شخصی و خانوادگی سوزها است. تقریباً در تمام اثر به غیر از فصل اول، هیچ نشانی از زندگی شخصی و خانوادگی حاج مرتضی دیده نمی‌شود و همین باعث شده است تصویر کاملی از سوزها به دست مخاطب نرسد و به دلیل تداوم حضور جنگ و جبهه در روایات، کمی اثر به یکنواختی مبتلا شود.

مخلصی کلام آنکه «باد و خاکستر» از آن دست خاطراتی است که می‌تواند به اندازه دوپست‌واندی صفحه مخاطب را تمام و کمال راهی جنگ و جبهه کند و با توجه به نکاتی که پیش‌تر عرض شد، اطلاعات مسبو و مفیدی در مورد بچه‌های غرب کشور در اختیار خواننده بگذارد.



۱۴۶